

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۲

Doi: [10.22051/TQH.2017.7348.1056](https://doi.org/10.22051/TQH.2017.7348.1056)

تحلیل و بررسی دیدگاه دنیس اسپلبرگ در مورد آیات افک (مدخل "عایشه" در دائرةالمعارف قرآن لایدن) فریبا پات^۱ بی بی سادات رضی بهابادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۳۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۴/۲۶

چکیده

ماجرای افک (النور: ۲۰-۱۱)، یکی از قسمت‌های اصلی مدخل «عایشه» در دائرةالمعارف قرآن نوشته دنیس اسپلبرگ است. نویسنده بدون پرداختن به این آیات تنها به گزارش شأن نزول آن اکتفا کرده است. وی آیات مذکور را صریح‌ترین آیات قرآن در مورد عایشه می‌داند، در حالی که آیه ۴ سوره التحریم در این خصوص صراحت بیشتری دارد. وی همچنین این آیات را بارزترین نمود اختلافات فرقه‌ای مسلمانان می‌داند، در حالی که شیعه و سنی در این خصوص اختلاف جدی ندارند. وی ادعا می‌کند شیعیان، ام

۱. استادیار دانشگاه الزهراء(س)، گروه تاریخ و تمدن اسلامی F.pat@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه الزهراء(س)، گروه علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) b.razi@alzahra.ac.ir

المؤمنین عایشه را به زنا متهم می‌کند که این خود اتهامی به شیعه است که نه تنها عایشه بلکه همه همسران انبیا را از این عمل میرا می‌دانند. اسپلبرگ تفسیر را مجالی برای اعمال تعصبات و خواسته‌های مفسر تلقی می‌کند، در حالی که تفسیر از نگاه مسلمانان دارای شرایط و ضوابط خاصی است. تأثیر بیش از حد پیش دانسته‌ها و علایق در تفسیر مطلبی است که در هرمنوتیک فلسفی ریشه دارد و لوازم فاسدی به دنبال دارد. وی همچنین تأکید می‌کند که جنسیت بر تفسیر قرآن اثرگذار است اما باید گفت تفاوت تفاسیر در آیات مربوط به زن ریشه در مبانی معرفتی مفسر و شرایط فرهنگی اجتماعی عصر او دارد و کمتر به جنسیت مفسر مربوط است.

واژه‌های کلیدی: عایشه، ماجرای افک، شیعه، جنسیت، دنیس اسپلبرگ.

مقدمه

مجموعه پنج جلدی دائرةالمعارف قرآن لایدن از جمله پژوهش‌های جدید غربیان در مورد قرآن است که در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ میلادی به چاپ رسیده است. سه جلد از این اثر تاکنون به زبان فارسی منتشر شده است. این مجموعه به صورت کلی با نقدهایی از سوی اندیشمندان مسلمان مواجه بوده است. بسیاری از مدخل‌های آن نیز به صورت ویژه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مدخل «عایشه» این دائرةالمعارف نوشته دنیس اسپلبرگ^۱ (Denise Spellberg)، دانش‌پژوه آمریکایی تاریخ اسلام و دانشیار تاریخ و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه تگزاس در آستین است. وی مدرس دروس تمدن اسلامی و اسلام در اروپا و آمریکاست. کتاب

^۱- Spellberg, Denise A, "Aisha bint Abi Bakr" in The Encyclopedia of Quran, Jane Dammen McAuliffe, General Editor, Brill, Leiden – Boston – Koln, 2001

«سیاست، جنسیت و گذشته اسلام: میراث عایشه بنت ابوبکر»، اثر دیگر اوست که با موضوع این مقاله مرتبط است.

نویسنده در نگارش مقاله خود هم از منابع دست اول و هم از منابع دست دوم استفاده کرده است اما بیشترین تکیه‌اش در منابع دسته اول بر منابع سنی چون صحیح بخاری، مسند ابن حنبل، سیره ابن اسحاق و سنن ابن ماجه است و کمتر از منابع شیعی استفاده کرده است و این عیب بیشتر پژوهش‌های غربی است اما در مورد منابع دسته دوم، نویسنده از غالب منابعی که به زبانهای مختلف اروپایی وجود دارد، بهره برده است و این شاید نقطه قوت نوشته او به لحاظ منابع باشد.

اسپلبرگ قبل از ورود به مباحث اصلی مقاله در ابتدا نقش ام المؤمنین عایشه را در تاریخ اسلام بسیار اساسی توصیف می‌کند و او را همچون منشوری برای تمرکز و تجزیه تفاسیر اسلامی قلمداد می‌کند.^۱ وی معتقد است سه موضوع محوری یعنی تبریته از زنای محصنه، مشارکت وی در نخستین جنگ داخلی و تلاش برای ارائه چهره‌ای آرمانی از او به عنوان زنی نمونه در ارتباط با مریم مادر عیسی، سنت‌های قدسی مهمی را در تصویر از عایشه ایجاد کرده است. (2001, Spellberg, v.1, p.56)

وی همچنین به جایگاه همسران پیامبر اشاره می‌کند و گزارشی ترجمه گونه از آیات سوره احزاب در مورد آنان ارائه می‌دهد.^۲ هر چند نویسنده به این امر توجه نداشته

^۱ - عایشه زنی که به تصور بیشتر مسلمانان همسر محبوب پیامبر بود. هر چند قرآن به صراحت نامی از عایشه نمی‌برد اما با توجه به این متن مقدس، جایگاه تاریخی و نمادینش در تاریخ اسلام به طور منسجم شکل گرفته است. عالمان مسلمانانی که به لحاظ تاریخی تقریباً همگی مرد بوده‌اند، به واسطه عایشه در گیر مسائلی شدند که در شکل‌گیری هویت جمعی و نقش‌های جنسیتی اهمیت محوری داشت. شخصیت او محور مباحث و تعین بخش اختلاف نظرها در باب هویت اسلامی در دوره شکل‌گیری آن بود. این مبادلات بینامتنی، به ویژه در دوره‌های اولیه و کلاسیک تاریخ اسلام برای محققان این امکان را فراهم ساخت تا معیارهایی را برای رفتار اجتماعی، مشارکت سیاسی و الگوهای زنانه آرمانی برای زنان مسلمان تثبیت کند. عایشه در این فرایند، نقش منشوری را برای تمرکز و تجزیه تفاسیر اسلامی مشترک و بسیار متفرق ایفا کرد.

^۲ - همسران [محمد]، مادران مؤمنان (احزاب: ۶)، زن منحصر به فرد و یگانه که مانند هیچ یک از زنان [دیگر نیست] (احزاب: ۳۲). شرایط خاصی منحصراً برای همسران پیامبر در نظر گرفته شد، از جمله دستور آیه ۵۳ احزاب،

که جایگاه رفیع زنان پیامبر مشروط به تقوای آنان است: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ أَتَقِيْنَ» (الأحزاب: ۳۲)، پس فضیلت آنان به تقواست نه اتصال به پیامبر (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۰۹) و منظور از امهات المؤمنین بودن همسران پیامبر، و جوب تعظیم آنان و حرمت ازدواج با ایشان است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۵۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۷۷)

زنان پیامبر به خاطر انتسابشان به پیامبر از موقعیت اجتماعی ویژه‌ای برخوردارند، هم از آن جهت که نقش الگویی برای افراد جامعه دارند و عملشان باعث گمراهی و یا هدایت افراد جامعه است و هم از آن جهت که عمل بدشان پیامبر را آزرده ساخته و به حیثیت او لطمه وارد می‌کند. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۲۸۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۲۹۷)

همان طور که گفته شد نویسنده مقاله مباحث مهم خود را در سه موضوع محوری ارائه کرده است که قسمت اول با عنوان زنانی محصنه به موضوع افک (نور: ۱۱-۲۰) اختصاص یافته است. پژوهش حاضر تنها به بررسی این بخش می‌پردازد. گفتنی است که تاکنون پژوهشی در ترجمه و یا نقد این مدخل انجام نشده است و پژوهش حاضر از این حیث دارای نوآوری است. این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال است که دنیس اسپلبرگ چگونه آیات مربوط به ام المؤمنین عایشه را گزارش می‌کند؟ گزارش و تحلیل او تا چه اندازه دقیق و روشمند است؟

مبنی بر اینکه آنها در پشت پرده بمانند (نک: مقاله حجاب در همین دائرةالمعارف با عنوان "veil"). همه زنان از جمله همسران پیامبر، ملزم شدند تا ردا بپوشند، سینه‌های خود را بپوشانند و در ملاء عام با حجب و حیا رفتار کنند (نور: ۳۱). با این وجود قرآن تصریح می‌کند که همسران پیامبر باید به معیارهای اخلاقی بالاتری نسبت به دیگر زنان پایبند باشند؛ زیرا مجازات و پاداش اعمال دنیوی آنها در روز آخرت دو برابر خواهد بود. (احزاب: ۳۰-۳۱ نیز نک: مقاله ثواب و عقاب در همین دائرةالمعارف با عنوان Reward and Punishment)

در آیه ۳۳ احزاب به همسران پیامبر به طور خاص دستور داده شد که در خانه‌هایشان بمانند، محدودیتی که نهایتاً عالمان دینی آن را شامل همه زنان پیامبر تفسیر کردند. این آیه قرآن هنگام ورود عایشه به صحنه سیاست در سال ۱۱ق، یک سال بعد از وفات پیامبر، برای او استفاده شد و در نهایت دامنه آن به همه زنان مسلمان طی زمان گسترش یافت تا انزوایشان را از قلمروهای مردانه فعالیت عمومی تضمین کند.

۱. مروری بر ماجرای افک

ماجرای افک، یکی از مهمترین توطئه‌های منافقان بر ضد پیامبر اسلام(ص) بود که در طی آن گروهی، خانواده پیامبر را به عمل منافی عفت متهم نمودند. این افک در میان مسلمانان پخش شد. منافقان یا بیماردلان در اشاعه این خبر نقش داشتند. خداوند به منظور دفاع از پیامبر آیات افک را نازل کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۸۹) سرکرده منافقان، «عبدالله ابی» بود. (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۳۶)

مطابق شأن نزول مشهور، این جریان در مسیر بازگشت از غزوه بنی مصطلق در سال پنجم هجرت اتفاق افتاد. بعد از همین غزوه بود که عبدالله ابن ابی بین مهاجر و انصار اختلاف انداخت. به دنبال این ماجرا حتی فرزندش مانع ورود پدر به مدینه شد. سوره منافقون نیز به همین مناسبت نازل شد (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۲-۲۹۷) که نزول آیات افک نقشه منافقان را برملا ساخت. این آیات بیش از آن که به پاکدامنی شخص مورد تهمت گواهی دهد، دفاع از شخص پیامبر اسلام است. آمیختگی این بحث با مسایل سیاسی و اجتماعی باعث شده که اهل سنت آن را فضیلتی برای عایشه قلمداد کنند و برخی از شیعیان نزول آیه را در مورد عایشه مورد تردید قرار دهند. (رک. حسینیان مقدم، ۱۳۸۴ش، ص ۱۶۱)

در هر صورت قرآن به جزئیات ماجرای افک اشاره‌ای ندارد. روایات اهل سنت این جریان را مربوط به امّ المؤمنین عایشه می‌دانند اما در روایات شیعی این جریان مربوط به «ماریه»، کنیز پیامبر است. توضیح این که اهل سنت تنها به نزول آیات در مورد عایشه اشاره کرده‌اند اما شیعه علاوه بر نقل این روایات از منابع سنی به شأن نزول دیگری نیز اشاره کرده‌اند مبنی بر این که آیات در مورد ماریه نازل شده که از سوی عایشه و برخی زنان دیگر به زنا متهم بود. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۹۰)

۲. نقد دیدگاه دنیس اسپلبرگ

زنای محصنه، یکی از عناوین سه گانه‌ای است که دنیس اسپلبرگ در مدخل عایشه بدان پرداخته است. مباحث وی ذیل این عنوان قابل تقسیم به دو بخش گزارش از ماجرای افک و تحلیل این ماجراست که ذیلاً بدان می‌پردازیم.

۲-۱. نقد گزارش دنیس اسپلبرگ از ماجرای افک

گزارش اسپلبرگ از ماجرای افک با عنوان «زنای محصنه» چنین است:

«اختلاف فرقه گرایانه در جهان سنتی اسلام هیچ جایی آشکارتر از تفسیر آیه قرآن درباره اتهام زنایی که علیه عایشه در سال پنجم صورت گرفت، نیست. صریح‌ترین ارتباط عایشه با قرآن در آیات ۱۱ تا ۲۰ نور مستقیماً به نام او و یا به تهمت زنای محصنه‌ای که علیه او صورت گرفته اشاره نمی‌کنند، بلکه این آیه صراحتاً مربوط است به مجازات شدید آن کسانی که دروغ را بدون چهار شاهد مرد که در آیه ۱۳ نور خواسته شده است، انتشار می‌دهند.» مسلمانان سنی به این تهمت به لحاظ تاریخی به عنوان شرح دروغ (افک) اشاره کرده‌اند. (Spellberg, 2001, v.1, p.56)

«امر افک به عنوان نمونه تبرئه الهی عایشه از اتهام زنا معروف شد. بر اساس نخستین گزارش‌های مکتوب اسلامی، عایشه پیامبر را در غزوه بنی مصطلق همراهی کرد. عایشه طی توفقی برای استراحت در بازگشت به خانه فهمید که گردنبدنش را گم کرده است. او اردوگاه را به قصد یافتن گردنبدنش ترک کرد. اعضای دیگر گروه گمان کردند که وی در کجاوه اش نشسته است. آنها هودج را پشت شتر عایشه قرار دادند و رفتند. سرانجام جوانی مسلمان به نام صفوان ابن معطل سلمی عایشه را که تنها و مستأصل در بیابان بود، پیدا کرد و او را به سلامت به اردوگاه پیامبر بازگرداند. دشمنان پیامبر ادعا کردند که عایشه در واقع با نجات دهنده اش یعنی صفوان به همسرش خیانت کرده است، قبل از اینکه آنها به بقیه گروه بپیوندند، اگرچه هیچ شهادی برای آن وجود نداشت. (Ibn Ishaq - Guillaume, p.493-9)

این گزارش که نخستین بار به شکل مکتوب، ۱۵۰ یا ۲۰۰ سال بعد از رویدادهای مذکور ثبت گردید، چارچوب روایتی را برای توضیح آیات ۱۱ تا ۲۰ نور ارائه می‌دهد که

اکثریت مسلمانان آن را حمایتی از تبرئه عایشه از اتهام زنا می‌دانند. (v.1,p.56, Spellberg, 2001,

طبری، مفسر معروف سنی (د.۳۱۰)، در تفسیرش بر این آیات بیان می‌کند که مسلمانان به عنوان یک امت واحد در تبرئه عایشه متفق القول اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۹۶) حتی هنگامی که او این کلام بی‌قید و شرط را درباره این موضوع در تفسیرش نوشت، مطمئناً می‌دانست که مفسران شیعی هم عصرش مانند قمی در قرن چهارم همین آیات را کاملاً متفاوت توضیح داده‌اند. قمی بیان کرد که این آیات نه به عایشه بلکه به هنگامی اشاره دارند که به همسر مصری پیامبر، مریم، تهمت زده شد. حادثه‌ای که این نویسنده تاریخ آن را پنج سال بعدتر قرار می‌دهد. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۵۵-۱۵۳؛ Asher, Scripture, p. 42-3)

۲-۱- صریح‌ترین آیه در مورد ام المومنین عایشه

نویسنده صریح‌ترین آیه در مورد عایشه را آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره نور می‌داند، این درحالی است که به اذعان نویسنده در مورد شأن نزول آیات اختلاف نظر است. علاوه بر این که سیاق عبارات به گونه‌ای نیست که شخص خاصی را مورد توجه قرار دهد اما شیعه و سنی در مورد آیه ذیل اختلاف نظر ندارند:

«إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (التحریم: ۴)

این آیه به لغزش و وجوب توبه دو نفر اشاره دارد که توجه به سیاق مشخص می‌کند. آن دو نفر از همسران پیامبر بوده‌اند؛ زیرا آیات قبل و بعد آن مربوط به همسران پیامبر است. روایات نیز این دو نفر را عایشه و حفصه معرفی نموده‌اند و این مورد، از محدود مواردی است که اتفاق نقل بر آن وجود دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۱) و مفسران شیعه و سنی آن را پذیرفته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص ۱۰۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۴؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۴۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۷۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق،

ج ۲۸، ص ۳۰۹) در نتیجه می‌توان گفت که مشهورترین آیه در مورد ام المؤمنین عایشه، آیات افک است اما صریحترین آیه، آیه ۴ سوره التحريم است.

۲-۱-۲. بارزترین نمود اختلافات فرقه‌ای مسلمانان

نویسنده تفسیر این آیات را آشکارترین مورد برای نشان دادن اختلافات فرقه‌ای مسلمانان تلقی کرده است اما این ادعا از دو جهت قابل بررسی است: نخست آنکه بین شیعه و سنی در این خصوص اختلاف جدی وجود ندارد و دوم این که اختلاف اساسی این دو بر سر مسائل دیگری است.

الف) پذیرش روایت اهل سنت از سوی برخی مفسران شیعی. پیش از این گفته شد که مطابق روایات سنی آیات افک در مورد عایشه نقل شده است. امامیه علاوه بر نقل روایت اهل سنت، روایتی نقل کرده‌اند مبنی بر این که این آیات در مورد ماریه نازل شده است. نگاهی گذرا به تفاسیر شیعی نشان می‌دهد که مفسران شیعی تعصبی در ذکر و قبول روایت شیعی نداشته و به روایت اهل سنت در این خصوص نیز پرداخته‌اند. باید توجه داشت مفسران شیعه نوعاً نزول این آیات را در مورد عایشه دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۲۰۶-۲۰۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۶، ص ۲۵۹) حتی علامه حلی در پاسخ به این سؤال که آیات افک در مورد کدام یک از همسران پیامبر نازل شده است، می‌نویسد: «علما در این مورد اختلاف ندارند که منظور عایشه است». (حلی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۲۱)

بسیاری از مفسران شیعه نیز با رویکردهای متفاوت به هر دو روایت پرداخته‌اند. عده‌ای هر دو روایت را بدون هرگونه داوری ذکر کرده‌اند. (شیر، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۰۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۶، ص ۱۵۲) برخی نیز هر دو روایت را با معیارهای فقه الحدیثی مورد خدشه قرار داده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۰۵-۹۶؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۱۱) و حتی شأن نزول مربوط به ماریه را غیر قابل قبول‌تر از اولی می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۳۹۴-۳۹۱)

فیض کاشانی هر دو روایت را نقل کرده و مواردی از روایت دوم را توضیح می‌دهد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۲۴) فیض کاشانی در تفسیر اصفی ابتدا ماجرای افک عایشه را نقل می‌کند و پس از اشاره‌ای گذرا به روایت قمی می‌نویسد: «و فیها ما فیها»، (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸۳۸) هر چند برخی به نقل روایت قمی اکتفا کرده‌اند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۱) و عده‌ای مؤیدات روایی دیگری علاوه بر تفسیر قمی ذکر کرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۴؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۴۹۷)

ب) امامت، اختلاف اساسی شیعه و سنی. نویسنده بارزترین نمود اختلاف فرقه‌ای شیعه و سنی را آیات افک تلقی کرده است: اختلاف فرقه گرایانه در جهان سنتی اسلام هیچ جایی آشکارتر از تفسیر آیه قرآن درباره اتهام زنایی که علیه عایشه در سال پنجم صورت گرفت نیست (Spellberg, 2001, v.1, p.56)

اما باید گفت که شیعه و سنی به رغم اشتراکات متعدد، اختلافشان در بحث امامت ریشه‌ای است. اهل سنت به شأن دنیایی امامت معتقدند اما شیعه آن را تالی تلو نبوت و بلکه از بعضی درجات نبوت بالاتر می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۲ش، ص ۱۶۳-۱۶۲) امامت در مکتب تشیع، اهمیت فوق العاده دارد و یکی از اصول مهم اعتقادی دانسته می‌شود. امامت، یک مقام و منصب الهی است. (حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۴) امام باید معصوم و افضل از سایرین باشد. (همان، ص ۳۱۴) امام باید همه کمالات نفسانی چون علم، عفت، عدالت و شجاعت را داشته باشد. (ابن میثم، ۱۴۰۶ق، ص ۱۸۰) وی ریاست امور دینی و دنیایی مردم را به عهده دارد. (همان، ص ۱۷۴)

مقام امامت نزد اهل سنت، به طور کلی یک منزلت اجتماعی و منصب عادی و غیر الهی است. از نظر آنان امام باید مکلف، مسلمان، عادل، آزاد، مجتهد، صاحب رأی و کفایت، سمیع بصیر، ناطق و قرشی باشد. البته شرط اخیر در شرایطی جایگزین دارد. در امامت عصمت و افضلیت شرط نیست. (ر.ک: تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳) برخی اجتهاد در اصول و فروع، تدبیر و شجاعت را شروط اساسی امامت می‌دانند. (ایجی، ۱۳۲۵ش، ج ۸، ص ۳۴۹) پس اهل سنت در خصوص شرایط امام برای منصب امامت حداقل شرایط را به میان می‌آورند، نه علم عاری از خطا در فهم آموزه‌ها، معارف و احکام الهی

مورد تأکید است و نه تقوا و عدالت برخاسته از عصمت و گناه گریزی، مورد توجه است. (یزدی مطلق، ۱۳۸۱، ش، ص ۷۱) از نگاه آنان، امامت امت، به دو صورت حاصل می‌شود: از راه گزینش صاحب نظران و معتمدان امت (بیعت اهل حل و عقد) و وجود نص از سوی رسول و یا امام پیشین. (ایچی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۳۵۱)

این اختلاف مبنا، آیات مربوط به تعیین مصداق امام را معرکه آراء مفسران شیعه و سنی ساخته است. از مهمترین این آیات، آیه ۵۵ سوره مائده است که در عرف مفسران شیعی به آیه ولایت نامبردار و مربوط به رخدادهای خاتم بخشی امام علی (ع) در حال رکوع است. مفسران شیعه دلالت آیه را بر امامت امیرالمومنین (ع) قطعی می‌دانند. (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۳، ص ۳۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۵-۵) مفسران اهل سنت پیام آیه را در مورد همه مومنان تعمیم می‌دهند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۸؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۳۸۳-۳۸۲)

۲-۱-۳. ادعای اتهام شیعه به ام المومنین عایشه

اسپلبرگ معتقد است شیعه و تفسیر شیعی از قرآن، ام المومنین عایشه را به زنا متهم کرده است. ابتدا این اتهام مورد بررسی قرار می‌گیرد، آنگاه روایاتی که به نوعی موهم این اتهام است، بررسی می‌شود.

الف) رد این اتهام. اسپلبرگ پس از یک گزارش بسیار کوتاه از تفسیر قمی ادعا می‌کند که تفسیر شیعی این آیات راه را برای زدن اتهام زناکاری به عایشه گشود. همه گزارش وی از تفسیر شیعی عبارت است از: «قمی بیان کرد که این آیات نه به عایشه بلکه به هنگامی اشاره دارند که به همسر مصری پیامبر، مریم، تهمت زده شد. حادثه‌ای که این نویسنده تاریخ آن را پنج سال بعدتر قرار می‌دهد.» (Spellberg, 2001, v.1, p.56)

توجه کامل به روایت شیعی، چنین ادعایی را بی‌اساس می‌سازد: از امام باقر (ع) نقل شده است که وقتی ابراهیم فرزند رسول خدا «ص» از دنیا رفت، پیامبر بسیار غمگین شد. عایشه گفت: چه خبر شده؟ چرا اینقدر بر مرگ این کودک می‌گریی؟ او که فرزند تو نبود بلکه فرزند جریح بود، پس رسول خدا «ص»، علی «ع» را فرستاد تا جریح را به قتل

برساند. علی «ع» با شمشیر حرکت کرد و جریح مردی قبطنی بود که در باغی زندگی می کرد. علی «ع» در باغ را کوبید، جریح پشت در آمد که آن را باز کند، همین که علی را غضبناک دید، به داخل باغ گریخت. در طی فرار جریح و تعقیب علی، عورت جریح نمایان شد و علی «ع» دید که او اصلاً هیچ یک از آلت تناسلی مردان و زنان را ندارد، پس نزد رسول خدا «ص» برگشت و ماجرا را گزارش داد. رسول خدا فرمود: الحمد لله، سپاس خدایی را که این سوء را از ما اهل بیت بگردانید. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۹۹)

مطابق این گزارش ام المومنین عایشه، ماریه را به زنا متهم کرده است و بحثی از اتهام عایشه به زنا در آن نیست. اساساً روایت شیعه و سنی متناقض یکدیگر نیستند، هر چند فقط یکی از این گزارش ها می تواند به عنوان شأن نزول تلقی شود.

لازم به ذکر است که این اتهام به شیعه در جای دیگری از این دائرةالمعارف با ذکر دلیلی واهی تکرار شده است. روت رادد در مقاله زنان و قرآن می نویسد: «شیعه بر آن است که عایشه هیچ وقت از تهمت زنا تبرئه نشد؛ زیرا نام او هرگز در قرآن نیامده است». (Ruth Roded, 2006, V. 5, P.535)

در عصر حاضر وهابیت نیز به این اتهام دامن زده اند. محمد بن عبدالوهاب معتقد است که شیعه عایشه را به زنا متهم می کند، همان گونه که یهود به مریم «سلام الله علیها» تهمت ناپاکی زدند. (عبدالوهاب، بی تا، ص ۴۳) پیش از ابن حجر بسیاری از غالیان روافض را کافر دانسته است، کسانی که عایشه را به زنا متهم کرده اند. (ابن حجر، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳)

گفتنی است ابن حجر این مطلب را به غالیان روافض نسبت داده است. شوشتری در پاسخ به ابن حجر، نه تنها امامیه را از این عقیده مبرا می داند که این سخن را حتی نسبت به غالیان شیعه تهمت می داند، کسانی که از نظر امامیه نجس و کافرند. (شوشتری، ۱۳۶۷ش، ص ۳۲۱) سلطان الواعظین در مناظره خود با بزرگان اهل سنت شهر پیشاور در پاسخ به عالم اهل سنت که شیعیان را به عدم احترام به زنان پیامبر متهم می کند، به صورت کاملاً قاطع می فرماید: «اعتقاد شیعه بر آن است که هر کس نسبت فحش و قذف به هر یک از زنان رسول خدا ولو عایشه و حفصه بدهد، کافر ملحد و ملعون است و خون و مالش حلال

است، چه آنکه چنین نسبتی اهانت بزرگ به مقام مقدس پیامبر است». (شیرازی، ۱۳۸۳ش، ص ۷۱۷)

حتی آلوسی، مفسر سنی، معتقد است به شیعیان نسبت داده‌اند که عائشه را به زنا متهم کرده‌اند، تهمتی که خداوند او را از آن مبرا کرده است اما شیعه چنین مطلبی را شدیداً انکار می‌کند، در کتاب‌های مورد اعتماد آن‌ها چنین مطلبی دیده نمی‌شود و اصلاً اثری از آن نیست. همچنین آن‌ها وقوع فحشا را برای عائشه بعد از وفات رسول خدا «ص» انکار می‌کنند و از این مطلب نیز در کتاب‌های آن‌ها اثری دیده نمی‌شود. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۱۸) آلوسی این اتهام را از همه فرق مسلمانان نفی می‌کند.

شیعه و اهل سنت بر آنند که اصولاً همسران انبیا از عمل منافی عفت مبرایند. مفسران خیانت زن نوح و لوط را نسبت به همسرانشان (التحریم: ۱۰) نفاق دانسته‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۱؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۷۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۴۳) از دیگر معانی این خیانت در دین، کفر، سخن چینی و افشای وحی الهی به مشرکان است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۵۷)

از ابن عباس نقل شده که آن دو اهل زنا نبودند. زن نوح، نوح را به جنون متهم می‌کرد و زن لوط، قوم لوط را از حضور مهمانان مرد مطلع می‌کرد. خیانت این دو نفر این بود. همسران پیامبران هرگز بدکاره نیستند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۴۵) شیخ طوسی همسران پیامبران را از زنا به دور می‌داند؛ زیرا این امر باعث رمیدن مردم از پیامبر می‌شود و این عیبی برای پیامبر است. کسی که یکی از همسران پیامبر را به زنا نسبت دهد، اشتباه بسیار بزرگی مرتکب شده است. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۳)

ب) روایات موهوم این اتهام. به هر حال این سخن نویسنده خود اتهام به شیعه است. ممکن است در برخی کتب شیعی مطالبی یافت شود که به ظاهر موهوم چنین اتهامی به عائشه باشد، هر چند نویسنده بدان اشاره نکرده و حتی نسبت بدان آگاهی هم نداشته است. در ادامه به این مساله می‌پردازیم تا روشن شود این اتهام به شیعه ریشه واقعی ندارد.

در تفسیر قمی آمده است: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» ثُمَّ ضَرَبَ اللَّهُ فِيهِمَا مَثَلًا فَقَالَ: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا» فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا عَنَى بِقَوْلِهِ «فَخَانَتَاهُمَا» إِلَّا الْفَاحِشَةَ وَ لَيْتَمَنَّ الْحَدَّ عَلَى فُلَانَةَ فِيمَا أَتَتْ فِي طَرِيقٍ وَ كَانَ فُلَانٌ يُجِئُهَا فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى [البصرة] قَالَ لَهَا فُلَانٌ لَا يَجِئُ لَكَ أَنْ تَخْرُجِي مِنْ غَيْرِ مَخْرَجٍ فَرَوَّجَتْ نَفْسَهَا مِنْ فُلَانٍ». (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۷)

علی بن ابراهیم درباره آیه «ضرب الله مثلا» گفته: خداوند درباره آن دو مثل زده و فرموده: «خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آن دو خیانت کردند.» به خدا قسم که منظور از «فخانتاهما» چیزی جز فاحشه نیست و باید بر فلانه حد جاری شود، به خاطر این که وقتی می‌خواست به بصره برود، فلانی او را دوست داشت و به او گفت: برای تو حلال نیست که بدون محرم خارج بشوی، پس آن زن خود را به ازدواج فلان درآورد.

مطابق قراین منظور از فلانه، عایشه و مراد از فلان، طلحه است. این روایت شاذ و مخالف برخی از اصول است. هر چند طلحه در باطن خبیثش قصدی داشت اما وقوع آن از نظر عقل، نقل، عرف و عادت بعید است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۱۰۷) گفتنی است محتوای روایات تفسیر قمی متفاوت است. برخی از نظر محتوا پشتوانه عقلی و شرعی دارد و حق بودن آن معلوم است. محتوای تعدادی از روایات مخالف ضروریات و قطعیات دین است، به گونه‌ای که حتی اگر سند آن هم صحیح باشد، ظاهر محتوایش غیر قابل قبول است و نمی‌توان بدان ملتزم شد. روایاتی هم وجود دارد که محتوای آن عقلا و شرعا ممکن است اما راه اثبات آن منحصر به سند صحیح یا قراین قطعی دال بر صدور آن از امام معصوم است. (بابایی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۲۷ و ۲۲۸)

لازم به ذکر است در تفسیر قمی سند بیشتر روایات تا معصوم ذکر شده است اما در ابتدای این حدیث عبارت «قال علی بن ابراهیم» آمده است، پس می‌توان این سخن را نظر شخصی مفسر قلمداد نمود؛ زیرا این تفسیر روایی محض نیست و در آن گفتارهایی از خود علی بن ابراهیم نیز وجود دارد که متأسفانه به صورت مشخص از هم تفکیک نشده است.

ربانی شیرازی، محقق بحارالانوار، صدور چنین سخن شیعی را از علی بن ابراهیم هم بعید می‌داند. وی معتقد است این سخن به احتمال قوی از اضافات دیگران به تفسیر قمی است؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۲۴۱) زیرا تفسیر قمی آمیزه‌ای از تفسیر علی بن ابراهیم و روایاتی از تفسیر ابی الجارود و برخی روایات دیگر است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۰۳)

در اصول کافی نیز حدیثی ذکر شده که مورد استناد نویسنده نبوده است. امام جعفر صادق «ع» در گفتگو با زراره و پاسخ به شبهات او پیرامون ازدواج به ویژه ازدواج با زنان مخالف فرمودند: «فَقَالَ لِي قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَمْرِ امْرَأَةٍ نُوحٍ وَ امْرَأَةٍ لُوطٍ مَا قَدْ كَانَ إِنَّهُمَا قَدْ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ فِي ذَلِكَ بِمَنْزِلَتِي إِنَّمَا هِيَ تَحْتَ يَدِهِ وَ هِيَ مُقَرَّرَةٌ بِحُكْمِهِ مُقَرَّرَةٌ بِدِينِهِ قَالَ فَقَالَ لِي مَا تَرَى مِنْ الْحَيَاةِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- فَخَاتَاهُمَا (التحریم: ۹) مَا يَعْنِي بِذَلِكَ إِلَّا الْفَاحِشَةَ وَ قَدْ زَوَّجَ- رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۰۲)

رسول خدا «ص» زن گرفت (با مخالفان ازدواج کرد) و داستان زن نوح و زن لوط هم که همان بوده است که بوده، هر دو در نکاح دو تن از بندگان صالح ما بودند. من (زراره) در پاسخ گفتم: رسول خدا «ص» به مانند من نبوده، زن زیر دست آن حضرت و به حکم او بوده است و به دین او اقرار داشته، زراره گوید: امام «ع» به من فرمود: نظر تو در معنای خیانت در این سخن «فَخَاتَاهُمَا» (التحریم: ۹) چیست؟ مقصود از آن چیزی جز فاحشه نیست و رسول خدا ازدواج کرد.

باید گفت این بیان ربطی به عایشه ندارد و حضرت خیانت زن نوح و لوط را در این حدیث بیان کرده‌اند. امام «ع» مراد از خیانت را فاحشه می‌دانند اما مراد از فاحشه لزوماً زنا و بی‌عفتی نیست. همچنان که بررسی لغوی این واژه مؤید این مطلب است: «ف ح ش»، اصلی است که دلالت بر زشتی چیزی می‌کند. هر چیزی که از حد بگذرد فاحش است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۷۸) هر امری که موافق حق نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۶) و هر قول و فعلی که قبح آن زیاد باشد فاحشه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۶) ملا صالح مازندرانی در شرح این حدیث می‌نویسد: «منظور از فاحشه، گناهانی

است که قبیح زیاد است. در این جا منظور از آن نفاق و مخالفت و کفر است.» (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰، ص ۹۳) علامه مجلسی در *مرآة العقول* عبارت را اینگونه تفسیر می کند: یا استفهام انکاری است و مراد از فاحشه، زنا است، همان گونه که استعمال شایع فاحشه در معنای زناست یا این که ما نافیهِ است و منظور از فاحشه، گناه بزرگ یعنی شرک و کفر است. مانند آیه «وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (آل عمران: ۱۳۵) که قول دوم برتر است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۱۹۴)

۲-۲. نقد تحلیل تفسیری اسپلبرگ از ماجرا

تحلیل وی در مورد ماجرای افک چنین است: «این تفاسیر متناقض هم ظهور هویت های دینی - سیاسی متعارض و هم اهمیت تفسیر در بازآفرینی گذشته اسلام را منعکس می کند. همین وحی به واسطه توضیحی فرقه گرایانه موجب دو قرائت کاملاً متفاوت می - شود. اکثریت اهل سنت از عایشه نه فقط به عنوان همسر پیامبر بلکه به عنوان دختر ابوبکر (حک: ۱۱-۱۳) یکی از نزدیک ترین دوستان پیامبر و جانشین وی به عنوان رئیس امت اسلامی، حمایت و دفاع می کنند. در مقابل مسلمانان شیعی، عایشه را به عنوان دشمن رهبر سیاسی و معنویشان، علی بن ابی طالب، (حک: ۳۵-۴۰) در گفتمانی سازگار با دیدگاهشان نسبت به رویدادهای گذشته رد کردند و به او ناسزا گفتند. در واقع، تفسیر شیعی این آیات، راه را برای زدن اتهام زناکاری به عایشه در تقابل شدید با تبرئه اکثریت مسلمانان سنی و ستایش نهایی از پاکدامنی او گشود.

اختلافات فرقه ای بین سنیان و شیعیان از طریق تفاسیر متعارض از قرآن و دیدگاه های متناقض جالب درباره گذشته ای مشترک آن گونه که در شخصیت های تاریخی زن و مرد انعکاس یافته است، پدید آمد. این تفاسیر تا حدی به این دلیل که از عایشه صراحتاً در آیات مورد بحث در قرآن نام برده نمی شود و نام مریم قبطی نیز در این متن مقدس وجود ندارد، دوگانه عمل می کنند. در تفسیر، مفسران کوشیدند تا روشن سازند این آیات به چه کسانی اشاره می کند و در تفسیر مجالی برای قرائت های متناقض از این وحی الهی و اهمیت جنسیتی آن باقی ماند. تاریخی کردن این مناقشات درونی ادعای مطرح عالمان

مسلمان مبنی بر اینکه اسلام واقعیتی ثابت و یکپارچه است را سست و بی اساس می سازد. تفاسیر دینی تفرقه افکنانه آنها با هم، چه بسا حق انحصاری برای ایضاح اسلام جاودانه و بی زمان را مسلم فرض بگیرد اما دل بستگی آنها به تلاش و کوششی زمانمند و بسیار انسانی برای کنترل کامل بر ایمان دینی مشترک و کاربرد سیاسی آن، این دعاوی انحصاری که هر یک از آنها دارند را سست می کند. این شقاق ها هنگامی که پدیدار شد، این امکان را مطرح می سازد که تاریخ گفتمان به ظاهر دینی از سوابق کثرت تفاسیر ایدئولوژیکی امروز زنان و مردان مسلمان از اسلام پرده برمی دارد.» (اکثریت مسلمانان آن را حمایتی از تبرئه عایشه از اتهام زنا می دانند. (Spellberg, 2001, v.1, p.57)

نویسنده در مقاله اش گزارش اریکا فریدل^۱ انسان شناس را از بیان یک زن ایرانی در مورد ماجرای افک مطرح می کند:

«اریکا فریدل اخیراً صدای زنی شیعه را از روستایی کوهستانی در ایران ضبط کرده است که داستان اتهام زنا علیه یکی از زنان پیامبر را می گوید. اگرچه از عایشه نامی برده نمی شود و نجات دهنده مذکور در نخستین گزارش عربی، صفوان ابن معطل سلمی، جای خود را به کاروانسرداری ناشناس می دهد. جزئیات این اتهام، پرده از قرائت فرقه گرایانه بدیلی برمی دارد که در آن دیگر خبر از قهرمان زن سنی و محوریت وحی الهی نیست. در عوض، این زن مفسر شیعی احتمالاً بی سواد، نتیجه ای کاملاً منطقی و انسانی برای این داستان مطرح می کند که بر قدرت شایعه و حتی تهدید امروزی طلاق در زندگی زنانی که پاکدامنی شان موضوع بدگویی عمومی است، تاکید دارد.» (اکثریت مسلمانان آن را حمایتی از تبرئه عایشه از اتهام زنا می دانند. (Spellberg, 2001, v.1, p.58)

^۱ - اریکا فریدل (Erika Friedl)، انسان شناس اتریشی تبار مقیم آمریکا و استاد سابق انسان شناسی در دانشگاه میشیگان غربی بوده و از انسان شناسان متخصص در زمینه ایران به شمار می رود. وی بارها به ایران آمده و ماه ها در میان گروهی از زنان جامعه روستایی-عشایری بویر احمد زندگی کرده و به تحقیق و بررسی پرداخته است. «درباره بویر احمدی های ده نشین» و «زنان دهکوه: زندگی زنان در یک روستای ایرانی» (۱۹۸۹م) از مهمترین نوشته های او درباره جامعه زنان بویر احمدی «سی سخت» است. فریدل در راه شناساندن شکل و محتوای زندگی زنان جامعه بویر احمد و شأن و منزلت اجتماعی-فرهنگی و کار و فعالیت های اقتصادی آنان پیوسته کوشیده است.

وی بیان این زن را تفسیری جنسیتی تلقی نموده و درباره آن می نویسد: «اگرچه اثر انسان شناسانه اریکا فریدل یک نمونه است، در این مورد لوازم گسترده تر این روایت زنانه مدرن، به حوزه مردم نگاری تعلق دارد. این انسان شناس با اولویت دادن به صدای منبع شیعی اش، بافت و زمینه پیونددهنده و نقادانه ای فراهم نساخت تا نشان دهد این تفسیر مدرن، نتیجه متمایز شرحی شیعی در تقابل با شرح سنی منحصرأ مردانه است. این بازنمایی غیر تاریخی حاکی از بی زمانی پنهانی است که تفاوت جنسیتی منابع را در تاریخ دین تضعیف می کند. این فقط یک داستان عامیانه ایرانی نیست که به انسان شناس خارجی گفته شده است بلکه تفسیر شفاهی مدرنی از قرآن است که زنی مسلمان و شیعی کاملاً در ادامه سنت تفسیری متن مقدس بیان می کند.» (ibid)

۲-۲-۱. ضابطه مند نبودن تفسیر قرآن

نویسنده تلقی خاصی از تفسیر دارد. تفسیر از نظر وی مجالی برای اثبات خواسته های مفسر است. هر شخصی صلاحیت دارد قرآن را تفسیر کند. وی آن جا که بیان یک زن شیعه را از ماجرای افک ذکر می کند، از او به عنوان زن مفسر شیعی احتمالاً بی سواد یاد می کند و تفسیر او را تفسیری مدرن و قابل تحسین قلمداد می کند. باید گفت که چنین استنادی در بحث های علمی، تفسیری و قرآنی غیر معمول است، هر چند در حوزه مردم شناسی اعتبار دارد.

البته اگر نظر این زن شیعی بی سواد نه به عنوان تفسیر این آیه که نیازمند رعایت ضوابط تفسیری است بلکه به عنوان داده ای انسان شناختی تلقی شود که بخواهد دیدگاه زنان جامعه ای خاص را در زمانی خاص نمایندگی کند با «مسأله تعمیم» مواجه خواهد بود، به این معنا که تا چه حد نظر این فرد می تواند نظر همه اعضای مجموعه ای را که این زن متعلق به آن است، در اینجا زنان شیعی بی سواد عصر حاضر، نمایندگی کند.

نویسنده حتی داشتن سواد را برای مفسر قرآن لازم نمی داند و از یک زن بی سواد به عنوان مفسر یاد می کند، در حالی که فهم قرآن مانند فهم هر متن دیگری ضابطه مند است و رعایت نکردن این ضوابط، مفسران و مراجعان به قرآن را به ورطه تفسیر به رأی کشانده

است. سیوطی دانستن پانزده علم را برای تفسیر ضروری می‌داند. (سیوطی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، ص ۲۱۵-۲۱۳؛ همو، بی تا، ص ۱۳۱-۱۳۰)

هرچند در طول تاریخ تفسیر فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون برداشت‌های متفاوتی از آیات داشته‌اند و آیاتی را که با دیدگاه مورد نظرشان هم‌خوانی نداشته است، تأویل نموده‌اند اما وجود این واقعیت به معنای درستی همه برداشت‌های متفاوت و گاه متناقض از آیات قرآن نیست. علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان پس از ذکر علل اختلاف در تفسیر به نقد روش محدثان، متکلمان، فلاسفه و متصوفه پرداخته و وجه مشترک همه این روش‌ها را تحمیل نتیجه بحث‌های علمی و فلسفی بر آیات قرآن می‌داند. نتیجه این روش‌ها تطبیق است نه تفسیر. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹) علامه سرانجام روش تفسیر قرآن به قرآن را به عنوان برترین راه برای فهم حقایق قرآن معرفی می‌نماید. (همان، ص ۱۱)

وی معتقد است یک آیه هم وجود ندارد که مفهومی پیچیده باشد و ذهن در فهمش دچار مشکل شود. مفهوم آیات متشابه نیز واضح است و تنها در تشخیص مقصود و مراد آن اختلاف نظر است. از آنجا که ذهن افراد به مصداق مادی و مقید به زمان و مکان واژگان عادت کرده است، در تشخیص مصادیق اشتباه می‌کند، پس اختلاف مفسران در مفهوم الفاظ و جملات نیست بلکه این اختلاف در تعیین مصادیق است. (همان، ص ۱۰-۹)

اسپلبرگ تفسیر را مجالی برای قرائت‌های متناقض از وحی تلقی کرده است و توضیحات فرقه‌گرایانه را سبب برداشت دو قرائت کاملاً متفاوت از وحی می‌داند. آبخور دیدگاه نویسنده، هرمنوتیک فلسفی است که علایق و پیش‌دانسته‌های مفسر را پایه فهم متن می‌داند. پذیرش این نظر به صورت مطلق منجر به پلورالیسم معنایی می‌شود و دیگر نمی‌توان ادعا کرد که یک تفسیر مطابق با واقع است. (آبیاری، ۱۳۹۲ش، ص ۸۵) گادامر خود تصریح می‌کند که اساساً تأویل درست و قطعی وجود ندارد، (Gadamer, 1975, p.320).

پس او تمام فهم‌ها را حقیقت تلقی می‌کند و میان فهم درست و نادرست فرقی نمی‌گذارد، (گرانث، ۱۳۹۳ش، ص ۳۲۸ و نیز رک: واعظی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۸) در حالی که ارائه تفسیری ثابت و فرا زمان و مکان از متن مقدس ممکن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش،

ج ۱، ص ۲۱۵) باید توجه داشت گریزی از حضور پیش دانسته در فهم متن نیست و با ذهن خالی نمی‌توان به تفسیر قرآن پرداخت.

برخی از پیش دانسته‌ها ابزاری هستند و بدون آن اصل فهم و درک معنا میسر نمی‌شود. (واعظی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۰۵) علوم لازم برای تفسیر قرآن، پیش دانسته‌های ابزاری این علمند. تنها تحمیل پیش دانسته بر متن است که ناموجه می‌نماید یعنی مفسر تمایل داشته باشد بدون قرائت روشمند پیش دانسته خود را بر متن تحمیل نماید. این امر در لسان شرع تفسیر به رأی قلمداد می‌شود و از آن نهی شده است: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَبْئُؤْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ». (رک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵)

یکی از بخش‌های افق هرمنوتیکی مفسر، علاقه‌ها و انتظارات اوست که در فهم متن اثرگذار است. این علایق باید مهار شود و گرنه در معناسازی برای متن سهیم می‌شود و مصداق تفسیر به رأی خواهد بود. اموری از قبیل افزایش درجه حساسیت، تمرکز بر موضوعات خاصه به خودی خود منفی و غیر مجاز نیست مگر آن که در فهم متن نقش آفرین باشد. (واعظی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۱۵)

۲-۲-۲. تأثیر جنسیت بر تفسیر

در این مقاله بر مقوله جنسیت و تأثیر آن بر تفسیر تأکید ویژه‌ای شده است. ذکر این نکته ضروری است که توجه به تأثیر جنسیت در تفسیر در آثار افرادی چون آمنه ودود نمود بیشتری یافته است. وی روشی هرمنوتیکی ارائه داده که خود آن را «از ویژگی هرمنوتیک توحیدی» می‌خواند. از ویژگی‌های مهم این روش، توجه به ذهنیت خواننده متن، قابلیت‌های زبانی زبان وحی و التفات به زمینه‌های تاریخی ظهور متن است. (خندق آبادی، ۱۳۹۴ش، ص ۴۱)

ودود معتقد است که متن قرآن، زنان را محدود نکرده بلکه تفسیر آن متن موجب این محدودیت شده است و به جایی رسیده که از خود متن مهم‌تر قلمداد می‌شود. در ادیان دیگر، فمینیست‌ها ناچار شده‌اند زن را در گفتمان خود وارد کنند تا مشروعیت به دست

آورند. حال آنکه زن مسلمان تنها باید متن را خالی از تکلف تفاسیر انحصاری و محدودکننده مطالعه کند تا به رهایی غیر قابل انکاری برسد. (ر.ک: ودود، ۱۳۹۳ش، ص ۲) ودود مطرح می‌کند که تفاسیر سنتی منحصرأ به دست مردان نوشته شده است. این سخن بدین معناست که مردان و تجربه‌های آنها مندرج در این نوع تفسیر است و زنان و تجربه‌های آنها یا کنار گذاشته شده است و یا دیدگاه‌ها، تمایلات و نیازهایشان از طریق بینش مردان تفسیر شده است. (همان، ص ۴۵) در مورد نظر آمنه ودود باید گفت که این گونه نیست که جنسیت در تفسیر نقش داشته باشد. ممکن است مفسر زن در تفسیر آیاتی که مربوط به زنان است، تأمل بیشتری داشته باشد اما این بدان معنا نیست که مقوله‌ای به نام تفسیر مردانه و زنانه وجود داشته باشد.

تحولات علمی و کسب معلومات جدید، شبهات و سؤالات نو در نوع نگرش مفسر به آیات قرآن مؤثر است. در واقع تفاوت تفاسیر در آیات مربوط به زن، ریشه در مبانی معرفتی مفسر و شرایط فرهنگی اجتماعی عصر او دارد. به عنوان مثال عقل‌گرایی، شاخصه ویژه تفاسیر اواخر قرن سیزدهم و چهاردهم است؛ زیرا کشفیات علمی، مکاتب جدید اجتماعی، اقتصادی و فلسفی و تحولات بنیادین در نظام سیاسی و حکومتی و از همه مهمتر تفاسیر نادرست مستشرقان از آموزه‌های اسلامی در جهت اثبات غیر الهی بودن دین اسلام، سبب پررنگ شدن استدلال‌ات عقلی و استفاده از دستاوردهای علمی در حوزه مباحث دینی و تفسیر قرآن شد. (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴-۱۰۸)

هر چند برخی تفاسیر در این راستا دچار افراط شده و در چارچوب قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره و رعایت قواعد تفسیر عمل نکرده‌اند اما این به معنای نفی امکان تفسیر صحیح در پرتو نیازهای عصری نیست.

برای اثبات یا نفی تأثیر جنسیت در تفسیر، بررسی تفاسیر زنان و مقایسه آن با تفاسیر مردان از آیات مربوط به زن امری معقول و منطقی است. هر چند تفاسیر به جا مانده از زنان انگشت شمار است اما بررسی تفسیر *مخزن العرفان* از یک زن مفسر در آیات مربوط به زنان نشان می‌دهد که هر چند این تفسیر در سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ نگاشته شده اما نمی

توان بانو امین را متأثر از نواندیشی‌های جدید دانست. در تفسیر وی از این آیات دو شیوه ملاحظه می‌شود: مخالفت با تفسیرهای سنتی و تفسیر سنتی، (مهریزی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۸) وی در تفسیر آیه یک سوره نساء، خلقت زن از دنده چپ مرد را نمی‌پذیرد و معتقد است زن و مرد در حقیقت انسانیت یکی هستند (امین، ۱۳۶۱ش، ج ۴، ص ۸-۵) اما مردان را به طور کلی از جهت قوت عقل و نیرومندی بدن برتر از زنان دانسته، هر چند بیان می‌کند که زنانی هستند که در این امور بر مردان برتری دارند. (همان، ص ۳۳۲) وی ضمن پذیرش حقوق مساوی زن و مرد در اغلب احکام اشاره می‌کند حیات مرد تعقلی است و حیات زن احساسی. بانوامین، قضاوت زنان را به دلیل احساسی بودن زن و لزوم حجاب برایش نمی‌پذیرد. (همان، ج ۲، ص ۳۲۸-۳۲۲)

در عوض تفسیر «من وحی القرآن»، از مفسری با جنسیت مرد، کاملاً تفسیری عصری و مناسب با جریان جدید است و نکات بدیع و قابل توجه بسیار در زمینه حقوق زن دارد. (ایازی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۱) به عنوان مثال محمدحسین فضل الله قوامیت مرد بر زن را عام تلقی نکرده و مختص دایره زوجیت می‌داند. وی معتقد است در صورتی مسئولیت و سرپرستی به عهده مرد است که او هم متقابلاً انفاق و برتری خود را در انجام وظایف به اثبات رساند. (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۳۰)

نتیجه‌گیری

تکیه اسپلبرگ در نوشتن این مدخل به منابع سنی بوده و کمتر به منابع شیعی مراجعه داشته است. از این رو نظر شیعه به خوبی در این مقاله منعکس نشده است. به عنوان مثال ادعای وی در خصوص اتهام شیعه به عایشه مطلبی است که نه تنها در منابع شیعی یافت نمی‌شود که منابع اصیل اهل سنت نیز چنین نسبتی به شیعه نداده‌اند. او در این اثر قرآنی خود تنها به نقل شأن نزول آیات افک اکتفا کرده است و حتی آیات را ذکر نمی‌نماید. وی تلقی خاصی از تفسیر و کارکردهای آن دارد و نقش تعصبات فرقه‌گرایانه و به طور کلی پیش دانسته‌ها و علایق مفسر و حتی جنسیت را در تفسیر قرآن بسیار پررنگ قلمداد می‌کند یعنی هر کسی هر برداشت و تفسیری از آیات قرآن ارائه کند، بهره‌ای از

حق دارد و هیچ برداشتی باطل محض نخواهد بود و اساساً معیاری برای تشخیص حق از باطل نخواهیم داشت.

منابع:

- قرآن کریم.

- آبیاری، سهیلا (۱۳۹۲ش)، «نقش پیش فرض در متن از نظر علامه طباطبایی و گادامر»، *فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی*، سال ۹، شماره ۳۴.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ابن حجر، أحمد بن محمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *صواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والنزقة*، تحقیق: عبدالرحمن بن عبد الله التركي و محمد الخراطا، الطبعة الأولى، لبنان: مؤسسة الرسالة.

- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۳ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الأعلام الإسلامی.

- ابن میثم، میثم بن علی (۱۴۰۶ق)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، *السیرة النبویه*، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دار المعرفه.

- آمین، سیده نصرت (۱۳۶۱ش)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.

- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۹ش)، گرایش عقلی و اجتهادی در تفسیر «من وحی القرآن»، *مجله پژوهش های قرآنی*، شماره ۶۴.

- ایجی، میر سید شریف (۱۳۲۵)، *شرح المواقف*، قم: شریف الرضی.

- بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۳)، *پژوهشی دیگر درباره تفسیر القمی پژوهش و حوزة شماره ۲۰۱۹ پاییز و زمستان.*

- بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، تحقیق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹ق)، **شرح المقاصد**، قم: شریف الرضی.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳)، **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، بیروت: دارالاضواء.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، **روان جاوید**، چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، **تسنیم**، قم: اسراء.
- حسینیان مقدم، حسین (۱۳۸۴ش)، «بررسی تاریخی تفسیری حادثه افک»، **مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش**، شماره ۷.
- حلی، جمال الدین (۱۴۰۱ق)، **أجوبه المسائل المهنائیة**، قم: نشر خیام.
- _____، (۱۴۱۳ق)، **کشف المراد**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خندق آبادی، حسین (۱۳۹۴ش)، «متن گرای تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ سوره النساء»، تهران، **نشریه علمی-ترویجی سراج منیر**، سال ۶، شماره ۱۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸)، **التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج**، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، **کشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۷)، **الإتقان فی علوم القرآن**، بی جا: منشورات رضی یدار.
- _____، (بی تا)، **التحییر فی علم التفسیر**، بی جا: دارالفکر.
- _____، (۱۴۰۴ق)، **الدرالمشور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، **الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین**، چاپ اول، کویت: مکتبه الألفین.

- شوستری، قاضی نور الله (۱۳۶۷ش)، *الصوارم المهرقة فی رد الصواعق المحرقة*، تهران: نشر نهضت.
- شیرازی، سلطان الواعظین (۱۳۸۳ش)، *شب‌های پیشاور؛ در دفاع از حریم تشیع*، چاپ چهل و یکم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق) *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر.
- _____، (۱۴۱۸ق)، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق)، *تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل*، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب.

- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ش)، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- گرانت، رابرت (۱۳۹۳ش)، **تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس**، مترجم: ابوالفضل ساجدی، بی جا: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، **شرح الکافی - الأصول و الروضة** (للمولی صالح المازندرانی)، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبه الإسلامیه.

- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، موسسه الوفا.

- _____، (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- بن عبدالوهاب، محمد (بی تا)، **رسالة فی الرد علی الرافضة**، تحقیق: ناصر بن سعد الرشید، مکه المكرمة: مرکز البحث العلمي و إحياء التراث الإسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، **امامت و رهبری**، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۵)، «زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی»، **مجله آینه پژوهش**، شماره ۹۸-۹۹.

- نفیسی، شادی (۱۳۸۸)، **عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم**، قم: موسسه بوستان کتاب.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰ش)، **درآمدی بر هرمنوتیک**، بی جا: مؤسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر.

- _____، (۱۳۹۰ش)، **نظریه تفسیر متن**، بی جا: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ودود، آمنه (۱۳۹۳ش)، **قرآن و زن؛ بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن**، مترجمان: اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران: نشر حکمت.

- یزدی مطلق، محمود (۱۳۸۱ش)، **امامت پژوهی بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- Gadamer, Hans- Georg, (1975), *Truth and Method*, Ed. By Garrett Barden and John Cumming.
- M.M. Bar- Asher, (1999), *Scripture and exegesis in early Imami Shiism*, Leiden
- Ruth Roded, (2006), *Women and the Quran*, in *Encyclopedia of Quran*, Jane Dammen McAuliffe, General Editor , Brill, Leiden – Boston.
- Spellberg, Denise A, (2001), “Aisha bint Abi Bakr” in *The Encyclopedia of Quran*, Jane Dammen McAuliffe, General Editor, Brill, Leiden–Boston–Koln.
- Spellberg, Denise A, (1994), *Politics, Gender, and the Islamic Past: The Legacy of 'A'isha Bint Abi Bakr*. New York: Columbia, University Press

Critical Ssessment of Denise A. Spellberg's View on Verses 11-20 of Sura al-Nur (the article of "A'isha" in EQ)

Bibi Sadat Razi Bahabadi¹
Fariba Pat²

Riceived: 7/10/2015

Accepted: 14/9/2016

Denise Spellberg's article on "A'isha" in the Encyclopedia of Quran pays much concern to the story of Ifk (falsehood) in the verses 11-20 of Sura al-Nur. In her narration of the story, the writer has confined herself to the traditions on the causes of revelation rather than the verses proper. She proclaims these verses as the most explicit ones about Aisha; whereas the forth verse of Sura al- Tahrim is more explicit .Although she considers these verses as the clear manifestation of Muslim sectarian disagreement, but the Shia and Sunni have no serious disagreement on these verses. She claims that the Shia accuse Aisha of adultery; however according to them, not only Aisha but also all the wives of all the prophets are innocent of any such act. Spellberg considers interpretation of the Qur'an subject to the exegetes' appeals and biases, whereas Muslim scholars' requirements and qualifications for any interpretation goes beyond all these personal preferences. Dedicating great value to the impact of presuppositions and appeals has root in philosophical hermeneutics that suffers from many flaws. She also asserts the impact of gender on the Qur'an's interpretation, neglecting the fact that the diversity of interpretations on verses concerning women has root in the epistemological principles of the exegete and the cultural-social conditions of his/her era, rather than his/her gender.

Keywords: Aisha, Shia, Ifk story

¹ Associate professor of Hadith and Quranic sciences at Alzahra University

²Assistant professor of History and Islamic civilization at Alzahra University